

دیوید سارنوف

گروه مترجمان میثاق مدیران
info@MisaqModiran.com

■ پیشینه و ظهور

دیوید سارنوف متولد روسیه است. پدر او یک نقاش یهودی بود که در سال ۱۸۹۶ به آمریکا مهاجرت کرد تا با کار کردن و پس انداز کردن پول، خانواده‌اش را نزد خودش ببرد. این اتفاق چهار سال بعد یعنی در سال ۱۹۰۰ رخ داد.

وقتی در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۰۰ سارنوف وارد منهتن شد، پدرش یک آپارتمان کوچک را اجاره کرده بود. در چهار سالی که پدرش به آمریکا رفته بود، تلاش زیادی کرده بود تا بتواند زندگی خانواده‌اش را تأمین کند. اما کار زیاد به شدت به شرایط جسمانی او آسیب زده بود. این امر باعث شده بود که او دیگر نتواند مانند گذشته کار کند و سارنوف در حالی که تنها ۹ سال سن داشت، به نان‌آور خانواده تبدیل شد.

او کارش را با فروش روزنامه در کنار خیابان‌ها آغاز کرد و در ازای هر ۵۰ روزنامه‌ای که می‌فروخت ۲۵ سنت دریافت می‌کرد. او برای این که درآمد بیشتری کسب کند، صبح‌ها نیز برای روزنامه دیگری کار می‌کرد. اگرچه او از ساعت ۴ صبح کارش را آغاز می‌کرد، اما در این بین به مدرسه هم می‌رفت. او در عرض تنها یک سال موفق شد تا روزنامه‌های انگلیسی زبان را بخواند. در سن ۱۴ سالگی، سارنوف یک دکه روزنامه‌فروشی برای خودش باز کرد و پدر و برادرانش را در آنجا مشغول به کار کرد.

همانند دیگر رهبران بزرگ کسب و کار هم نسل سارنوف، او نیز مسیر موفقیت را با پیدا کردن کار در شرکت تلگراف پیمود. او وارد شرکت تلگراف بی‌سیم مارکونی آمریکا^۴ شد. در آن زمان، این شرکت بر خلاف همتهای انگلیسی خود، یک شرکت ضررده بود. سارنوف به عنوان یک پیشکار کارش را آغاز کرد. او به مدت ۶۰ سال در این شرکت ماند و بعدها که به شرکت رادیو آمریکا تغییر نام داد نیز در آن ماند و ۴۰ سال ریاست آن را بر عهده گرفت.

دیوید سارنوف^۱ (۱۸۹۱-۱۹۷۰) یکی از پیشگامان رسانه‌ای جهان است. او مسئول معرفی رادیو و تلویزیون در ایالات متحده به عنوان رسانه‌های جمعی است. سارنوف که متولد روسیه است در سال ۱۹۰۰ به آمریکا مهاجرت کرد. او تا سال ۱۹۳۰ رییس شرکت رادیو آمریکا بود. او رادیوی اف‌ام را به یک مبنای تجاری تبدیل کرد و تلویزیون رنگی را به آمریکاییان معرفی نمود. او رابطه‌ای بسیار دوستانه با مخترع معروف ادوین آرمسترانگ^۲ داشت. این رابطه با خودکشی آرمسترانگ در سال ۱۹۵۴ پایان یافت. در سال ۱۹۶۵ پسرش رابرت، جانشین او در شرکت رادیوی آمریکا شد. او در سال‌های پایانی عمرش شاهد بود که پسرش دست به مدرنیزه کردن شرکتی زده که او تمام عمرش را وقف آن نموده بود.

۱۸۹۱. تولد.

۱۹۱۶. بیان دیدگاه‌های سارنوف در خصوص رادیو.

۱۹۱۹. تالیف رادیو آمریکا.

۱۹۲۰. انعقاد قراردادی با آرمسترانگ برای تضمین حقوق

انحصاری آتی‌فن‌آوری رادیو.

۱۹۲۱. آغاز پخش برنامه‌های رادیو آمریکا.

۱۹۳۰. در سال ۳۹ سالگی، سارنوف به سمت رییس رادیو آمریکا

منصوب شد.

۱۹۳۳. خرید ساختمانی جدید برای رادیو آمریکا. اختراع موج

اف‌ام توسط آرمسترانگ.

۱۹۳۹. معرفی تلویزیون در ایالات متحده اندکی پیش از آغاز

جنگ جهانی در نمایشگاه جهانی^۳

۱۹۵۴. معرفی فن‌آوری تلویزیون رنگی.

۱۹۶۵. پسر او به نام رابرت به عنوان رییس شرکت منصوب گردید.

سارنوف به سمت رییس هیأت مدیره منصوب شد.

۱۹۷۰. درگذشت.

1-David Sarnoff

2-Edwin Armstrong

3-World's Fair

4-American Marconi Wireless Telegraph

■ لحظات مهم

سارنوف به عنوان جدیدترین کارمند شرکت مارکونی، کارش را با حداقل حقوق آغاز کرد. او بعد از مدتی به سمت اپراتور بخش بی سیم منصوب شد و مدتی طول نکشید که به بازرس ارشد این شرکت تبدیل شد.

در این سمت بود که سارنوف مردی را ملاقات کرد که زندگیش را تغییر داد. ادوین آرمسترانگ مخترعی بود که بر روی دریافت کننده های پیشرفته بی سیم کار می کرد. آرمسترانگ برای اثبات اختراعاتش، در مقابل چشمان سارنوف و سه مهندس دیگر شرکت مارکونی، امواج رادیویی را از ایرلند و یک ایستگاه رادیویی سانفرانسیسکو دریافت کرد. سارنوف خیلی زود متوجه ارزش تجاری این دستگاه شد و از رییس خود خواست تا امکان بررسی توسعه دستگاه مشابهی را فراهم کند.

متأسفانه رؤسای سارنوف چندان تحت تأثیر قرار نگرفتند و به همان سیستم قدیمی ادامه دادند که در آن پیام ها باید نقطه به نقطه دریافت می شدند. در سال ۱۹۱۶، سارنوف در یادداشتی نوشت: «طرحی را برای رادیو در نظر دارم که روزی مانند یک پیانو با یک عکس در همه خانواده ها فراگیر خواهد شد.»

در طول جنگ جهانی اول، نیروی دریایی آمریکا به پیشرفت های فنی مهمی در زمینه مهندسی رادیویی دست یافت. در پایان جنگ، شرکت ها موفق به خرید این فن آوری از ارتش شدند. البته دولت ایالات متحده تمایل نداشت تخصص خود را در اختیار یک شرکت انگلیسی همچون مارکونی قرار دهد لذا شرکت جدید یعنی شرکت رادیو آمریکا در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد. شرکت جدید حقوق انحصاری جنرال الکتریک و مارکونی را در اختیار داشت. مدیر تجاری و نفر دوم این شرکت کسی نبود جز سارنوف. سارنوف که حالا در وضعیت بهتری برای دنبال کردن عقایدش داشت، یک سند ۲۸ صفحه ای تحت عنوان «نقشه موفقیت» را برای رییس هیأت مدیره شرکت ارسال کرد. او موفق شد و رادیو آمریکا به چندین سیستم و دستگاه رادیویی مجهز شد. این امر ضمن موفقیت چشمگیری که برای رادیو آمریکا داشت رقابت شدیدی را از جانب دیگر شرکت ها به ویژه وستینگهاوس^۵ باعث شد.

این در حالی بود که آرمسترانگ نیز به توسعه فن آوری رادیو ادامه می داد. در سال ۱۹۲۰، سارنوف با شنیدن این امر که آرمسترانگ به یک موفقیت دیگر دست یافته، بلافاصله دست واسطه ها را کوتاه کرد و مستقیماً به خرید حقوق انحصاری اختراع او کرد. پس از یک جلسه چانه زنی سخت و دشوار، او این فن آوری را به دست آورد و آرمسترانگ نیز سهام مناسبی را در شرکت دریافت کرده که در واقع باعث شد او به سهامدار اصلی شرکت تبدیل شود. این در حالی بود



سارنوف

چیزی بیش از یک غول رسانه ای همچون راپرت ماردوک^۷ و تد ترنر^۸ بود. سارنوف پیشگام صنعت و بازار تفریح و سرگرمی از طریق رادیو و تلویزیون بود

که او مقداری پول نقد نیز دریافت کرد.

بحران وال استریت در سال ۱۹۲۹ و اغتشاشات مالی، به شدت به شرکت رادیو آمریکا ضربه زد. این امر علیرغم برتری شرکت در بازار و رواج محبوبیت رادیو به عنوان یک وسیله تفریحی و همچنین ایجاد شرکت ملی پخش برنامه^۶ بود. در ژانویه ۱۹۳۰ و پس از مشکلاتی که در هیأت مدیره پیش آمد، سارنوف در حالی که تنها ۳۹ سال سن داشت به سمت رییس هیأت مدیره شرکت منصوب شد.

در دسامبر ۱۹۳۳، آرمسترانگ یک اختراع تأثیرگذار دیگر را معرفی کرد: موج اف ام. این بار سارنوف علاقه کمتری به این اختراع نشان داد. تمرکز او اکنون بیشتر به سمت تلویزیون بود تا رادیو. او قبل از آغاز جنگ دوم جهانی، تلویزیون را در سال ۱۹۳۹ و در نمایشگاه جهانی، به آمریکاییان معرفی کرد.

5-Westinghouse

6-National Broadcasting Company

پس از جنگ، سارنوف و آرمسترانگ در مورد افام دچار اختلاف نظر شدند. پس از سال‌ها همکاری، آرمسترانگ سرانجام موافقت کرد تا موضوع از طریق دادگاه حل و فصل شود. آرمسترانگ که از شنیدن رأی دادگاه شوکه شده بود، از طبقه سیزدهم یک ساختمان به خیابان پرید و به زندگی خود پایان داد. سارنوف تنها یک جمله درباره مرگ دوستش گفت: «من آرمسترانگ را نکشتم». سارنوف به طور معمول به کسب و کارش ادامه داد. او در سال ۱۹۵۴ تلویزیون رنگی را معرفی کرد. برای جلوگیری از تقلیدهای آسیب‌زننده، او تمام حقوق انحصاری تلویزیون رنگی را در دست سهامداران قرار داد. هر تولیدکننده‌ای می‌توانست دستگاه‌های تلویزیون رنگی تولید کند، اما تنها شرکت سارنوف حق انحصاری پخش برنامه داشت.

تلویزیون رنگی آخرین اقدام سارنوف بود. در سال ۱۹۶۵، رابرت فرزند سارنوف جانشین پدر شد و او نیز به سمت رییس هیأت مدیره منصوب شد. سرانجام او پس از یک بیماری طولانی مدت، در دسامبر سال ۱۹۷۰ از دنیا رفت.

سارنوف چیزی بیش از یک غول رسانه‌ای همچون رابرت ماردوک^۷ و تد ترنر^۸ بود. سارنوف پیشگام صنعت و بازار تفریح و سرگرمی از طریق رادیو و تلویزیون بود. ادوین آرمسترانگ بیشترین نقش را در ایجاد فن‌آوری رادیو ایفا کرد اما این سارنوف بود که ایده‌های آرمسترانگ را تجاری ساخت.

به علاوه، سارنوف تلاش زیادی کرد تا حقوق انحصاری فن‌آوری رادیو را به دست آورد و حقوق انحصاری تلویزیون‌های رنگی را در دست سهامداران خود قرار داد. این امر دلیلی بر نبوغ سارنوف است که می‌توان نمونه مشابه آن را لینوس توروالد^۹ به هنگام توسعه سیستم عامل لینوکس^{۱۰} دانست.



«دیوید سارنوف و ظهور صنعت ارتباطات»، کنت بیلی^{۱۱}، ۱۹۸۶

«سارنوف: یک آمریکایی موفق»، کارل درهر^{۱۲}، ۱۹۷۷

«بیوگرافی دیوید سارنوف»، یوجین لایونز^{۱۳}، ۱۹۶۶

«دیوید سارنوف: پسر رادیو و تلویزیون»، الیزابت مایرز^{۱۴}، ۱۹۷۲

«شرکت رادیو آمریکا»، رابرت سوبل^{۱۵}، ۱۹۸۶

http://www.rca.com: شرکت رادیو آمریکا

«تلویزیون، تخیل را ایجاد و رادیو آن را توسعه می‌دهد.»

تری وگان^{۱۶}

7-Rupert Murdoch
8-Ted Turner
9-Linus Torvald
10-Linux
11-Kenneth Bilby

12-Carl Dreher
13-Eugene Lyons
14-Elisabeth Meyers
15-Robert Sobel
16-Terry Wogan

